

## A Legal Analysis of the Harassment of Women in Cyberspace

Mahammad Reza Rezvantaleb

Associate Professor of *Fiqh* and Fundamentals of Islamic Law Department, University of Tehran, Tehran, Iran

Davood Darrehshiri\*

PhD Student in the field of *Fiqh* and Fundamentals of Islamic Law, University of Tehran, Tehran, Iran

[davood.darrehshiri@gmail.com](mailto:davood.darrehshiri@gmail.com)

DOI: 10.30495/CYBERLAW.2023.703507

### Keywords:

Women,  
Legislative Policy,  
Virtual Space,  
Harassment.

### Abstract

A correct legislative policy in dealing with crimes committed in cyberspace must represent the decisive and quick actions of the legislator. Considering the impossibility of full compensation of the damages caused by cyberspace and the variety of criminal actions, the legislative policy must be formulated accordingly. As a case of such emerging issues mentioned could be made of harassment of women in cyberspace. The legislators do not have a separate regulation with regard to this. The purpose of the present article is twofold. Firstly, the commission of such crimes at the present time must face an appropriate punishment for the perpetrators of such crimes. Secondly, considering that the bill for preserving the dignity and protection of women against violence is in the process of approval in the parliament, a recommendation must be stated with the purpose of amending the legal Articles in law related to the discussion of this article. In this research, using a descriptive library method, an attempt has been made to collect materials and answer this question: is it possible, according to the existing legal provisions, to apply the current laws in dealing with the perpetrators of such cases or not? The hypothesis that we are trying to confirm in this research is the possibility of adherence to the Article 619 of the Islamic Penal Code approved in 1375 in dealing with such crimes.



This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license:

(<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

## تحلیل حقوقی بزه مزاحمت بانوان در فضای مجازی

محمدرضا رضوان طلب

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

داود دره شیری\*

دانشجوی دوره دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۰۲ تیر ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۲۱ اسفند ۱۴۰۱

### چکیده

سیاست تقنینی صحیح در برخورد با جرائم ارتكابی در فضای مجازی باید نمایانگر اقدامات قاطع و سریع قانون‌گذار باشد با توجه به عدم امکان جبران کامل خسارت‌های منبعث از فضای مجازی و تنوع اقدامات مجرمانه، سیاست تقنینی نیز باید منطبق با این عوامل شکل گیرد. از جمله مسائل مستحدث، ایجاد مزاحمت برای بانوان در فضای مجازی می‌باشد. قانون‌گذار مقرر مجزایی در این خصوص ندارد. هدف نوشتار نیز از دو جنبه قابل احصاء می‌باشد نخست اینکه ارتكاب این قبیل جرائم در زمان حاضر مستوجب عقوبت مناسبی برای مرتکب این قبیل جرائم گردد و همچنین با توجه به اینکه لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت در مجلس مراحل تصویب خود را سپری می‌نماید پیشنهادی به منظور اصلاح مواد قانونی مرتبط با بحث ارائه گردد. در این پژوهش به روش کتابخانه‌ای توصیفی سعی در جمع‌آوری مطالب و پاسخ به این سؤال شده است که با توجه به مقررات قانونی موجود آیا امکان به‌کارگیری قوانین فعلی در برخورد با مرتکبین این قبیل موارد وجود دارد یا خیر؟ فرضیه‌ای که در این پژوهش در پی اثبات آن هستیم امکان تمسک به ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در مقام رسیدگی به این قبیل جرائم می‌باشد.

کلید واژگان: بانوان، سیاست تقنینی، فضای مجازی، مزاحمت.

تأثیرگذاری روزافزون فضای سایبری بر زندگی روزمره افراد امری غیرقابل انکار است. اینترنت و سایر شبکه‌های ارتباطات رایانه‌ای می‌تواند ما را از قیدوبند سلسله‌مراتب آزاد ساخته، به هر فردی اجازه اظهار وجود داده و به نحوی عالی انسانیت را در تمامی ابعاد فردی و جمعی آن قابل تعریف کند (Pearce, 1995: 7). با توجه به فراگیری استفاده از فضای مجازی در بین افراد مختلف وقوع جرائمی از قبیل مزاحمت نیز برای افراد میسر شده است علل متعددی از جمله عدم امکان شناسایی و دسترسی به متهم و سهولت دسترسی بزهکار به بزه دیده باعث تمایل و تساهل وقوع این قبیل جرائم گردیده است. حقوق موضوعه نمی‌تواند نسبت به این تغییرات سریع بی‌تفاوت باشد متون قانونی حاضر نیز در زمان تصویب توانسته بود تا حد زیادی تمام موارد مدنظر قانون‌گذار را پوشش دهد لیکن در حال حاضر و با پیشرفت روزافزون فناوری اطلاعات و استفاده افراد از بسترهای متفاوت مجازی دیگر نمی‌توان چنین ادعایی را طرح نمود.

رفتارهای نابهنجار اجتماعی بخصوص در محیط مجازی یکی از مشکلاتی است که در بسیاری از موارد، منجر به از بین رفتن امنیت و آسایش مردم جامعه می‌شود. بعضی از این‌گونه رفتارها در قوانین کیفری مورد اشاره قرار گرفته و برای مرتکب آن مجازات در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ به تصویب رسیده است ممکن است این دیدگاه ایجاد گردد که قانون‌گذار توجهی به وقوع جرائم در غیر از فضای واقعی نداشته است لیکن مجرمین خود را محدود به نصوص قانونی نمی‌کنند و قانون‌گذار موظف است خود را با اشکال مختلف جرائم تطبیق دهد تصویب و تفسیر قوانین باید به نحوی صورت پذیرد که در نهایت تداعی‌کننده عدالت باشد. یکی از شکل‌های حال حاضر در فرایند قانونی رسیدگی به این جرائم عدم تقنین مقررهای خاص در خصوص بزه مزاحمت بانوان در فضای مجازی است. به همین جهت بررسی شرایط و ارکان و نحوه وقوع انواع مزاحمت بانوان و تطبیق آن با نصوص قانونی موجود امری ضروری است. در بعضی موارد خلأ قانونی جرم‌انگاری واضح است فضای مجازی از قبیل متاورس<sup>۱</sup>، وب<sup>۲</sup>، کلاب هاوزس<sup>۳</sup>، اینستاگرام<sup>۴</sup> و سایر موارد و در ذیل همین موارد قسمت خصوصی و عمومی هر کدام شرایط خاص خود را دارد و نمی‌توان تمام این موارد را دارای حکم واحد دانست.

نحوه برخورد قانون‌گذار در قبال بزه مزاحمت بانوان در متن قوانین کیفری اعم از ماهوی و شکلی حاکی از توجه قانون‌گذار به این موضوع است. قطعاً مقرر مزبور به منظور حمایت از اطفال و بانوان تنظیم گردیده است علاوه بر مخاطبین قانون، مردان نیز حمایت مجزای قانونی از زنان را وظیفه مقنن می‌دانند. به همین جهت قانون‌گذار نسبت به جرم‌انگاری این موضوع اقدام نموده است (زراعت، ۱۳۷۷: ۳۱۴). میزان مجازات و شرایط تحقق بزه مزبور نمایانگر تلاش قانون‌گذار برای مقابله شدید با این جرم است. باین حال طرح این ادعا که مقنن توانسته تمام جوانب امر را مورد لحاظ قرار دهد و به هدف خود یعنی پیشگیری و مقابله حداکثری برسد به سختی محل چالش است. بنای نوشتار حاضر بررسی موضوع از جنبه ماهوی است. پرونده‌های مطروحه در سیستم قضایی کشور خلأ متون قانونی را به خوبی نشان داده است با توجه به متن ماده قانون به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد باینکه تحقق مزاحمت واضح است، برخورد قانونی با موضوع چنانچه قائل به عدم تطبیق ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ بر موضوع باشیم، ممکن نیست و بعضاً به جهت عقیده دادرس بر جرم نبودن عمل ارتكابی منتهی به صدور حکم برائت می‌گردد.

سیاست تقنینی مناسب علاوه بر توجه به مقولاتی از قبیل مجازات بازدارنده و پیشگیری‌کننده باید جامعیت نیز داشته باشد به تعبیر دیگر چنانچه قانون‌گذار بعضی فروض را مورد توجه قرار دهد لیکن از امور دارای اهمیت بیشتر و یا حداقل دارای ارزش مشابه عبور نماید قطعاً نمی‌تواند پاسخگوی مخاطب خود باشد. در بهترین حالت قوانین باید به نحوی نگاشته شود که بر اثر تغییرات روزافزون زندگی در

<sup>1</sup> Metaverse

<sup>2</sup> Web 3

<sup>3</sup> Clubhouse

<sup>4</sup> Instagram

جوامع بشری قابل تطبیق بر اقدامات آن‌ها باشد از نظر اصول جرم‌انگاری نیز باید نوعاً مبانی اخلاقی را در جرم‌انگاری موضوعی خاص مورد لحاظ قرار داد (محمودی جانکی، ۱۳۸۲: ۱۸۵). این مقوله در خصوص فضای مجازی که ارتباط زیادی با فرهنگ جامعه دارد اهمیت بیشتری پیدا می‌کند قانون‌گذار نیز باید علاوه بر حمایت از بزه دیده ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه را نیز مورد توجه قرار دهد. نظر نگارنده بر این است که در حال حاضر نیز امکان تمسک به بعضی قوانین از جمله ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در مورد جرائم موجود در فضای مجازی وجود دارد و تا زمان تصویب قانون مناسب می‌تواند ملاک عمل قرار گیرد.

علیرغم فراگیری و تأثیر روزافزون فضای مجازی در زندگی اشخاص تاکنون در زمینه مورد بحث، تحقیق یا پژوهشی به چاپ نرسیده است و پژوهش حاضر از این جهت امری نوآورانه تلقی می‌گردد. مقالاتی که عناوین تقریباً مشابهی دارند به شرح زیر می‌باشند.

مقاله تحلیل حقوقی جرم مزاحمت نسبت به بانوان در ایران نوشته رضا دانشور ثانی و اکرم انوری کاظم‌آباد که در بهار و تابستان ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است. مقاله مزبور به تحلیل ارکان بزه مزبور پرداخته و در نهایت نتیجه گرفته است که اعمال مقرر مزبور توسط بانوان بسیار نادر و محدود است و پیشنهاد نموده با فرهنگ‌سازی زمینه‌های مشارکت بیشتر مردم در پیشگیری از این قبیل جرائم فراهم گردد.

مقاله تحلیل حقوقی - جرم شناختی مزاحمت جنسی نوشته امیر پاک‌نهاد در پاییز و زمستان ۱۳۹۲ نیز عنوانی مرتبط دارد. نگارنده در این مقاله ابتدا اقسام مزاحمت جنسی را بر شمرده است و در نهایت مدعی عدم کارایی قوانین جاری در زمینه برخورد با این قبیل جرائم شده است و پیشنهاد نموده نهادهای مسئول از دو جنبه کیفری و غیر کیفری (فرهنگ‌سازی) با این بزه مقابله نمایند.

مقاله مزاحمت زنان و تحلیل چالش‌های قانونی آن نوشته الهه علی نیا نیز مربوط به تحلیل بزه مزاحمت بانوان است. در این مقاله نیز نگارنده ابتدا تحلیلی از ارکان بزه مزاحمت بانوان ارائه نموده است و در نهایت مدعی شده مقرر قانونی مزبور پاسخگوی نیازهای روز جامعه بانوان نمی‌باشد و پیشنهاد نموده از دو جنبه قانونی و اجتماعی به صورت هم‌زمان جهت مقابله با این بزه اقدام گردد.

علیرغم اینکه پژوهش‌های مورد اشاره در توضیح ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ تحریر گردیده است لیکن هیچ‌یک از مقاله‌های مزبور اشاره‌ای به فضای مجازی ندارد لذا می‌توان این ادعا را طرح نمود که مقاله حاضر برای نخستین بار نسبت به تحلیل ماده مزبور از این جهت اقدام نموده است.

رجوع به قانون به منظور مجازات مرتکب امری ثابت و مسلم است و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها بیان دیگری از همین گزاره است در صورتی که عملی هر چند قبیح، در متن قوانین کیفری مورد اشاره قرار نگیرد موجبات مجازات فرد فراهم نیست. با این توصیف و با توجه به قوانین موجود باید به این سؤال‌های پاسخ داد.

۱- منظور قانون‌گذار از قید مکان عمومی در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی چیست؟ آیا مکان عمومی، محصور در محیط فیزیکی است یا اینکه محیط مجازی را نیز در برمی‌گیرد؟

۲- چنانچه قید مکان عمومی شامل محیط غیر فیزیکی نیز باشد آیا تفاوتی بین فضای خصوصی و عمومی وجود دارد یا خیر؟

۳- آیا قاعده‌ای وجود دارد که در خصوص تمام محیط‌های موجود در فضای مجازی مورد استفاده قرار گیرد؟

## ۱. امکان‌سنجی کارایی و شمول ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی بر جرائم واقع در فضای مجازی

تحلیل قوانین چه به وسیله تفسیر منطقی و چه تفسیر منطوقی و چه با توجه به مذاکرات هنگام تصویب قانون باید منتهی به احراز نظر قانون‌گذار گردد. تحلیل غایی و عرفی از متن قانون بهترین راه احراز نظر قانون‌گذار است. تفسیر دقیق قانون می‌تواند در تحلیل دقیق گزاره قانونی مورد استفاده قرار گیرد و تفسیر عرفی از این جهت بر دیگر انواع تفسیر تفوق دارد. جنس زن به جهت لطافت و حساسیت

بیشتر آسیب بیشتری نیز از مزاحمت‌ها و تعرضات متحمل می‌گردد. قید مکان عمومی موجود در ماده در بردارنده جنبه دیگری از موضوعات مدنظر قانون‌گذار است. حضور بدون چالش بانوان در فضای عمومی و اجتماعی مدنظر قانون‌گذار است به‌بیان‌دیگر هیچ زنی نباید در محیط عمومی دچار احساس ناامنی شود. رنج تعرض و مزاحمت برای یک مؤنث زمانی که این اتفاق در مرعی و منظر عموم باشد بسیار بیشتر است لذا این موضوع نیز به همین جهت مورد اشاره قانون‌گذار قرار گرفته است. از طرفی جرائم فضای مجازی ماهیت خاص خود را دارد و آیین دادرسی متناسب با خود را نیز طلب می‌کند قانون جراثم رایانه‌ای با همین رویکرد تصویب گردید لیکن اشاره‌ای به مزاحمت بانوان در فضای مجازی نداشت. بعد از اجرای قانون رویه قضایی مواجه با این امر گردید که تعیین مصادیق نمی‌تواند جامعیت لازم را داشته باشد بسیاری از موضوعات تحت عناوین تعیین‌شده قرار نمی‌گیرد لیکن مسلماً می‌تواند مصادیق مزاحمت باشد مواردی از قبیل تعقیب سایبری و یا تحت نظر قرار دادن دیگری و یا ارسال پیام‌های حاوی الفاظ و اعمال ناشایست برای افراد از این موارد است. مقاله حاضر سعی بر این دارد که بررسی و اثبات کند چنانچه بزه دیده از بانوان باشد امکان اعمال مقررات ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در این موارد وجود دارد. فلسفه وضع مقرر مزبور نیز همین نکته را می‌رساند نظریه ۷/۱۰۱۵۳ - ۱۳۷۹/۱۱/۱۰ - اداره حقوقی قوه قضاییه اشعار می‌دارد که: «فلسفه تصویب ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی؛ که از جمله جرائم عمومی و غیرقابل بازگشت است، آن است که افراد نامحرم، مزاحم زنان و کودکان نشوند مثلاً تعقیب مصرانه یک زن از مصادیق مزاحمت تلقی می‌شود اما اگر کسی همسر یا فرزند خود را تعقیب کند و مصرانه در کوی و برزن پیگیر آن‌ها شود مرتکب جرمی نشده است تعرض هم که به معنای در برابر افراد ایستادن و آبروی آن‌ها را در مرحله خطر قرار دادن است شامل زن و فرزند مرتکب نمی‌شود چراکه آبروی آن‌ها آبروی خود اوست و بدین تعبیر مصادیق ایراد ضرب عمدی نسبت به همسر و فرزند را نمی‌توان در حوزه شمول ماده مذکور قرار داد».

### ۱.۱.۱. مکان عمومی و فضای مجازی

محل وقوع جرم از جهات مختلفی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است صلاحیت رسیدگی، تعیین قانون حاکم و سایر موارد از جمله این موارد است در خصوص موضوع مورد بحث شرط اعمال مجازات بر فرد مزاحم وقوع آن در مکان عمومی است تطبیق بحث با فضای مجازی ضرورت شناخت دقیق هر دو عنوان مکان عمومی و فضای مجازی را ضروری جلوه می‌دهد.

#### ۱.۱.۱.۱. مکان عمومی

مقنن در موارد مختلفی از کلمه مکان عمومی استفاده نموده است از جمله ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵: «هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد». همچنین تبصره ۲ ماده ۴۲ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز: «تبصره ۲- بازرسی از اماکن عمومی، نیازی به مجوز موضوع این ماده ندارد» و یا ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی که اشعار می‌دارد: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

واژه مکان عمومی منعکس در ماده در بردارنده دو نکته است نخست اینکه جرم باید علنی و در مرعی و منظر عموم باشد حتی اگر شخص خاصی نیز ناظر بر وقوع جرم نباشد لیکن بالقوه امکان وقوع آن در مرعی و منظر عموم باشد کافی است و نکته دوم اینکه اگرچه قانون‌گذار در مقام تقیید جرم مورد بحث، به مکان‌های عمومی بوده است، لیکن نباید در تفسیر اماکن، آن‌ها را محدود به مکان‌های عمومی که در آیین‌نامه‌های خاص نظیر آیین‌نامه‌های نیروی انتظامی تحت عنوان معابر عمومی شناسایی شده‌اند، نمود بلکه مقصود قانون‌گذار از

اماکن و معابر عمومی در این ماده، هر مکانی است که خصوصی نباشد (آقایی نیا، ۱۴۰۱: ۴۴). به بیان دیگر محل‌هایی که آماده برای ورود عموم است و مردم بدون نیاز به کسب اجازه، حق ورود دارند.

### ۲.۱.۱. فضای مجازی

توجه به این امر که در بسیاری از موارد ارتباطات مجازی افراد در محیط‌های مشخصی صورت می‌پذیرد کمک شایانی به موضوع بحث می‌کند. در نگاه کلی فضای سایبری نامحدود و بدون چارچوب جلوه می‌نماید لیکن ارتباطات افراد در قالب نرم‌افزارهای ارتباطی است ابزارهای مورد اشاره امکان برخورد و رویارویی و ارتباط افراد را در قالبی مشخص فراهم می‌نماید. «فضای سایبر در اصل از دو واژه سایبرنتیک<sup>۵</sup> و اسپیس<sup>۶</sup> گرفته شده است. واژه سایبرنتیک دارای ریشه یونانی است معنای اصلی آن در زبان یونانی فرمانروایی و حکومت است و در آثار افلاطون نیز به همین معنا بکار رفته است. شاید بتوان علم هدایت و کنترل و خود فرمایی را برابر فارسی آن دانست. به‌رحال سایبرنتیک اکنون نیز تا حدودی مفهوم قدیم خود را حفظ کرده و بیانگر علمی است که به انسان یا ماشین خودکار، امکان حکومت کردن و فرمان دادن می‌دهد» (جهانگیر، ۱۳۹۱: ۶۵). این اصطلاح از داستان‌های علمی و هنری وارد فرهنگ عامه شد، اما اکنون توسط استراتژیست‌های این رشته برای توصیف محیط جهانی فناوری استفاده می‌شود. با این حال نمی‌توان فضای مجازی را مترادف اینترنت تلقی نمود لیکن ابزار ورود به فضای مجازی، اینترنت است «اینترنت سامانه‌ای جهانی از شبکه‌های به هم پیوسته است که از مجموعه پروتکل اینترنت برای ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر اینترنت، شبکه شبکه‌هاست که از میلیون‌ها شبکه خصوصی، عمومی، دانشگاهی، تجاری و دولتی در اندازه‌های محلی و کوچک تا جهانی و بسیار بزرگ تشکیل شده است که با آرایه وسیعی از فناوری‌های الکترونیکی و نوری به هم متصل شده‌اند» (سیاح طاهری، ۱۳۹۷: ۳۰). همچنین به نظر می‌رسد فضای مجازی محیطی است که در آن برقراری ارتباط، رؤیت و انتقال اطلاعات در ساختارها و قالب‌هایی به انسان‌ها، طراحی و کنترل می‌شود؛ بنابراین کلیه خدمات موجود در دنیای اطلاعات و ارتباطات شامل فضای مجازی می‌شود (کهنوند، ۱۳۹۵: ۲۹).

### ۳.۱.۱. تفاوت فضای شخصی با فضای عمومی در محیط مجازی

اهم مواردی که در فضای مجازی محل وقوع جرم مزاحمت بانوان می‌باشد مربوط به شبکه‌های اجتماعی است کاربران در این شبکه‌ها اقدام به انتشار و اشتراک‌گذاری مطالب خود می‌نمایند در برخی از شبکه‌های اجتماعی کاربر قادر است تنظیمات نرم‌افزار مورد استفاده خود را به شکلی قرار دهد که امکان دسترسی به آن برای عموم افراد نباشد همچنین نوع ارتباط‌گیری افراد با کاربر نیز متفاوت است چنانچه ارتباط کاربران به نحوی باشد که برای دیگران نیز قابل رؤیت باشد در اصطلاح فضای عمومی تلقی می‌گردد لیکن چنانچه ارتباط‌گیری به نحوی است که دیگران قادر به رؤیت آن نمی‌باشند با اصطلاح فضای شخصی<sup>۷</sup> شناخته می‌شود. چنانچه قائل به امکان اعمال مقررات جزایی در خصوص فضای مجازی باشیم آیا تفاوتی بین فضای عمومی و فضای شخصی وجود دارد؟ به بیان دیگر باید مجموعه محیط سایبری را مکان عمومی بدانیم که جرم در آن به وقوع پیوسته است یا اینکه باید اجزاء را مورد بررسی قرار داد و با توجه به ویژگی‌های هر قسمت نسبت به موضوع اظهار نظر نمود؟

### ۲. تطبیق مزاحمت بانوان در فضای مجازی بر نوع سستی آن از منظر حقوقی

گسترش ارتباط‌گیری افراد در این فضا بدون شک چالش‌هایی نیز بین کاربران ایجاد می‌نماید مزاحمت برای بانوان از همین موارد است. به‌منظور اثبات امکان اعمال مقررات مزبور بر مرتکبین جرم در فضای مجازی ناگزیر از تحلیل بزه مزبور از جنبه عنصر مادی و قانونی و روانی هستیم. به فعل یا ترک فعلی که توسط قانون پیش‌بینی شده و مجازات بر آن تعلق گرفته و قابل استناد به فاعل آن است جرم گفته

<sup>۵</sup> Cybernetics

<sup>۶</sup> Space

<sup>۷</sup> private



می‌شود (نوربها، شیری و نجفی ابرندآبادی، ۱۴۰۱: ۱۴۳). بزه مندرج در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی نیز اشاره‌ای به تعرض به تمامیت جسمانی افراد ندارد بلکه مربوط به نقض حقوق اساسی افراد و ممانعت از حضور فعال فرد در محیط است (میر محمدصادقی، ۱۴۰۱: ۵۷). سوابق تقنینی مربوط به بحث نیز حاکی از توجه به ویژگی‌های روحی و روانی زنان و نیاز به احساس امنیت آن‌ها در نظر مقنن است همین امر قانون‌گذار را بر آن داشته که در بسیاری از موارد قوانینی حمایتی و پیشگیرانه تصویب نماید بند ۱۹ ماده ۳ آیین‌نامه امور خلافی مصوب ۱۳۲۴ اشعار می‌داشت: «ماده سوم - اشخاص زیر به ۷ روز تا ده روز حبس تعزیری و از ۱۰۰ تا دویست ریال غرامت محکوم می‌گردند بند ۱۹ - کسانی که دخترها - پسرها - زن‌ها را مصراً تعقیب نمایند» البته با توجه به منسوخ بودن مقرر مزبور در حال حاضر تنها ماده مرتبط با بحث را می‌توان ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی دانست.

## ۱.۲. عنصر روانی

جرم‌انگاری رفتار غیر عمدی، امری استثنائی است در اکثر جرائم موجود در قوانین کیفری شرط عمدی بودن ارتکاب بزه لحاظ گردیده است (قاسم‌زاده، ۱۳۷۷: ۶۷). بزه مزاحمت علیه بانوان نیز از جمله جرائم عمدی می‌باشد و تحقق آن منوط به وجود قصد عام در فرد مرتکب است. مجرمین سایبری از روی عمد و آگاهی اقدام به ایجاد مزاحمت برای کاربران می‌نمایند و از این جهت وجود یا عدم وجود قصد خاص نیز تأثیری بر اثبات جرم ندارد.

## ۲.۲. عنصر مادی

جرائم از یک منظر به دودسته مطلق و مقید تقسیم می‌گردند (گلدوزیان، ۱۴۰۱: ۱۸۷). جرائم زمانی مقید هستند که نتیجه خاص موردنظر بزهکار حاصل گردد. قتل و تخریب و کلاهبرداری از جمله جرائم مقید می‌باشند (محسنی، ۱۳۸۲: ۵۷). مزاحمت بانوان جرمی مطلق است و به‌صرف ارتکاب آن با هر نتیجه‌ای واقع می‌گردد، حتی اگر عمل مزبور در بزه دیده مؤثر نباشد (اردبیلی، ۱۴۰۱: ۱۶۳). مزاحمت علیه بانوان همیشه یکسان نیست، می‌توان از جهتی مزاحمت را لفظی و غیرلفظی یا فیزیکی و غیر فیزیکی دانست قانون‌گذار در ماده مزبور سه نوع اقدام مزاحمت، تعرض و توهین علیه بانوان را تصور نموده است. چنانچه مرتکب بدون برخورد فیزیکی و تنها با به‌کارگیری لفظ یا اقدام دیگری از قبیل تهدید و متلک‌پرانی علیه بزه دیده اقدام نماید مصداق مزاحمت است لیکن چنانچه اقدام به دست‌درازی و برخورد فیزیکی با زن نماید می‌تواند تعرض تلقی گردد اکثر موارد سوءاستفاده‌های جنسی افراد نسبت به بانوان مصداق تعرض است در خصوص توهین نیز هرگونه یا لفظ یا اقدامی که خلاف شأن تلقی گردد را می‌توان توهین تلقی نمود (کوشا، ۱۳۹۰: ۱۰۹). پاسخ به این سؤال که مزاحمت در فضای مجازی کدام یک از موارد سه‌گانه است نیازمند شناخت دقیق از فضاهاى مختلف مجازی است.

ممکن است این ادعا مطرح گردد که از مجموع سه اقدام مورد اشاره قانون‌گذار امکان ارتکاب تعرض از ناحیه مجرم وجود ندارد این ادعا با اندک تحقیقی باطل می‌شود در حال حاضر فضاهاى وجود دارد که می‌تواند این نظر را دچار چالش کند. متاورس به‌عنوان یک تکنولوژی نوپدید دنیایی است که توسط واقعیت‌های مجازی و واقعیت‌های افزوده ساخته می‌شود و از فضاهاى مجازی تشکیل شده که در آن افراد می‌توانند به‌جای اینکه به‌صورت فیزیکی کنار همدیگر باشند، در دنیای مجازی با یکدیگر ارتباط برقرار کنند (محمودی و صادقی، ۱۴۰۱: ۳). به نظر می‌رسد ارتکاب هر سه نوع اقدام مزاحمت، تعرض و توهین در فضای مجازی نیز ممکن است به‌خصوص اینکه پلتفرم‌هایی از قبیل متاورس که به نظر نسل آینده فضای مجازی نیز است به‌سرعت در حال گسترش است (حسن‌زاده، ۱۴۰۱: ۸). با این توصیف ناگزیر از این هستیم که وقوع هر سه نوع را در حال حاضر ممکن بدانیم.

امر دیگری که قانون‌گذار مورد لحاظ قرار داده است ارتکاب بزه در محیط‌های خاص می‌باشد. متن ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی قید نموده است که: «هر کس در اماکن عمومی یا معابر...» شرط امکان اعمال مجازات وقوع آن در محل‌های عمومی است (آقایی نیا، ۱۴۰۱: ۴۴). هرچند به نظر می‌رسد لزومی بر رؤیت آن توسط افراد مختلف نباشد (میر محمدصادقی، ۱۳۹۲: ۴۴۳). با این توصیفات تمام این

شرایط در فضای مجازی نیز وجود دارد بر اساس فلسفه تقنین که حمایت از زنان در مقابل مزاحمت می‌باشد و با توجه به حضور و استفاده روزافزون کاربران زن و اطفال از این فضا اعمال مقرر مزبور در خصوص این موارد نیز می‌تواند ملاک عمل قرار گیرد.

از منظر نظام‌های حقوق بین‌الملل نیز فضای مجازی محلی است که انسان می‌تواند آزادانه به آن وارد شود و با افراد دیگر مراد داشته باشد به‌مانند فضای پارک و اصولاً نیاز به اجازه شخص خاصی نباشد (Kietzmann and Hermkens, 2011: 241-245). از همین رو محیط اینترنت و فضای مجازی را مکان عمومی تلقی نموده‌اند (1: Mitchell and Staeheli, 2007; 8: Warfel, 2008; 146: Dearnly, 2001).

### ۳.۲. عنصر قانونی

ارتباطات مجازی سابقه زیادی ندارد و به نظر می‌رسد از جنبه قانونی به‌صورت جامع به آن پرداخته نشده است حتی در قانون جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ که به‌صورت تخصصی این موضوعات را مورد بررسی قرار داده است نیز اشاره‌ای به موضوع مورد بحث نشده است فصل چهارم قانون مزبور مربوط جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی می‌باشد اما توجه و اشاره‌ای به موضوع مزاحمت بانوان در فضای مجازی ندارد. در حال حاضر می‌توان دو ماده قانونی را مورد تحلیل قرارداد. ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی اشاره صریح دارد به اینکه مزاحمت حتماً باید از طریق تلفن یا سامانه مخابراتی باشد سامانه مخابراتی هم مربوط به مواردی است که بین دو نفر گفت‌وگویی ردوبدل می‌گردد به نظر می‌رسد توجه قانون‌گذار به مواردی از قبیل تلفن و تلگراف و مکالمات عادی تلفن همراه بوده است تفکیک بین سامانه مخابراتی و فضای مجازی در ماده ۳۴ لایحه حفظ کرامت و حقوق زنان در برابر خشونت نیز تأییدی بر این ادعا می‌باشد لیکن بعضی عقیده دارند که تلفن تنها وسیله مدنظر قانون‌گذار نمی‌باشد و علاوه بر تلفن‌های ثابت و همراه شامل دستگاه‌های نامبر (فاکس)، تلکس، پی‌جو (پیجر)، بی‌سیم و رایانه متصل به اینترنت نیز می‌شود (میر محمدصادقی، ۱۳۸۶: ۴۸۵). مزاحمت تلفنی مقید به وجود وسایل خاص برای ارتکاب جرم می‌باشد از چند جهت می‌توان این دیدگاه را قابل مناقشه دانست مهم‌ترین دلیلی این است که اساساً ماده مزبور از اقسام مختلف ارتکاب جرم، تنها ناظر به فرض مزاحمت بوده است و اشاره‌ای به تعرض و توهین نداشته است بدیهی است در صورتی می‌توان قائل به شمول ماده مزبور بر فرض مورد بحث شد که تمام اقسام بزه مزبور را در شمول خود قرار دهد. همچنین میزان مجازات بزه موضوع ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نیز حاکی از توجه ماده مزبور به مواردی از قبیل برقراری تماس‌های پرتکرار یا واهی دارد و چنانچه فرد اقدام به ایجاد مزاحمت برای نوامیس مردم نماید شایسته مجازات شدیدتری است. امکان تفسیر موسع قوانین ماهوی کیفری نیز وجود ندارد به‌خصوص اینکه در حال حاضر ارتباطات سایبری محدود به وسیله خاصی نیست و اطلاق عنوان مزاحمت تلفنی بر خیلی از این وسایل از قبیل تراشه‌های الکترونیکی محل تردید است همچنین تفکیک بین سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی در متن قانون نیز مؤید دیگری بر این نظر است لذا به نظر می‌رسد تمسک به ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ بر ماده ۶۴۱ همان قانون ارجحیت دارد.

مبنای قانون‌گذاری که نیروی الزام‌آور قانون از آن ریشه می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۹). مقتضی برخورد به نحو دیگری با این قبیل مجرمین است. ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی در وضعیت تقنینی فعلی می‌تواند در رویه قضایی به‌عنوان ملاک عمل قرار گیرد. قضات در مقام رسیدگی به اتهام، توجه به شرایط رفتار ارتكابی مجرم دارند چنانچه عمل فرد آثار نامناسبی بر بزه دیده باقی بگذارد لازمه اصل تناسب جرم و مجازات این است که دادرس از تمام ابزارهای قانونی استفاده نماید تا عقوبت مناسبی به مرتکب داده شود. با توجه به تحلیل لفظی ماده مزبور و اطلاق کلمه «اماکن عمومی» موجود در متن می‌توان از همین مقرر قانونی به‌منظور برخورد با مجرمین استفاده نمود سابق بر این اشاره گردید که دکتین نظام‌های دیگر کشورها نیز فضای مجازی و نرم‌افزارهای اجتماعی را مکان عمومی تلقی می‌نمایند به بیان دقیق‌تر در هیچ‌یک از نهادهای حقوقی در عمومی بودن محیط اختلافی نیست و همه قائل به این می‌باشند که محیط سایبری یک محیط عمومی می‌باشد. تنها ابهام موجود قید کلمه مکان است آیا می‌توان محیط سایبری را مکان دانست؟ مکان در لغت به



معنی جا، محل، جایگاه، محل استقرار، مرتبه و مقام تعریف شده است (معین، ۱۳۸۶: ۱۵۷۶). از منظر عرفی نیز فضای سایبری به عنوان یک محیط و محلی برای انجام اقدامات دلخواه تلقی می‌گردد (Turkle, 1995: 15).

### ۳. تحلیل ادله عدم امکان تطبیق مزاحمت در فضای سایبری بر مزاحمت سنتی

نوآوری‌های موجود در فناوری اطلاعات و از طرفی حرکت کند قانون‌گذار در مقام تقنین متناسب و رویه سازی دقیق و عدم تربیت قضات متخصص در این موضوعات باعث شده بحث از حقوق سایبری تاکنون به صورت گسترده صورت نگیرد لذا رویه دقیقی در این خصوص وجود ندارد در پیشینه پژوهش اعلام گردید دکترین حقوقی نیز تاکنون وارد این قیبل مباحث نگردیده‌اند عدم امکان مجازات مجرم بر اساس ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ ممکن است با ادله‌ای مطرح گردد که در ادامه مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

#### ۱.۳ اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها

مجازات مرتکب باید بر اساس قانون باشد چنانچه تردیدی در جرم بودن عمل باشد امکان مجازات فرد وجود ندارد. خروج از این اصل نیاز به دلیل قطعی دارد در فرض مزاحمت از طریق فضای سایبری مجازات فرد بر اساس مقررهای است که شمول آن به موضوع مورد بحث محل اختلاف است لذا عقیده به جرم بودن عمل، خلاف اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها است.

این استدلال کامل نیست یکی از اصول بنیادین در تعیین وصف کیفری برای اعمال افراد، اصل ضرر می‌باشد بر این اساس چنانچه رفتار فرد منافع دیگری را دچار خطر نمود جامعه باید مقابل آزادی اراده مرتکب بایستد و اعمال حاکمیت نماید (میل، ۱۳۸۵: ۱۹۳). لذا به نظر می‌رسد قانون‌گذار هم موافق جرم بودن عمل است چراکه عمل مجرم قطعاً منتهی به ضررهای بعضاً سنگینی بر بزه دیده می‌شود. علاوه بر این جرائم از یک منظر به ذاتاً قبیح و قبیح بر اساس قانون تقسیم می‌گردد (Kolasa, 1978: 568, Davis, 2006: 274). در خصوص دسته اول حتی در فرض نبود قانون نیز عرف و عقل قائل به لزوم عقوبت فرد می‌باشند بی‌شک مجازات مزاحم نوامیس و اطفال چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی مورد قبول عرف و عقل است. همچنین از نظر نگارنده مفاهیم بکار رفته در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی امکان تمسک به این مقرر قانونی را میسر می‌نماید و اعمال مجازات خلاف اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها نمی‌باشد.

#### ۲.۳ اصل تفسیر به نفع متهم

تفسیر به نفع متهم یا تفسیر مضیق قوانین از نتایج حاصله از اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها است (هاشمی، ۱۳۹۴: ۱). در مقام شک بر شمول ماده قانونی دادرسی موظف است قانون را به نحوی مورد تفسیر قرار دهد که به نفع متهم باشد، نظر به اینکه تطبیق موضوع بر ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی قابل برداشت‌های مختلف است باید به نحوی تحلیل گردد که به نفع مرتکب باشد در نتیجه از اتهام مزاحمت بانوان تبرئه گردد.

اشکال وارده بر این نظر این است که دادرسی در مقام رسیدگی باید سعی در احراز نظر قانون‌گذار نماید اقدام ارتكابی متهم ذاتاً قبیح است تفسیر لفظی متن قانون نیز امکان تمسک به ماده مزبور را فراهم می‌نماید با این شرایط اساساً مقام رسیدگی‌کننده دچار تردید در اعمال یا عدم اعمال مجازات بر مرتکب نمی‌گردد و محل تمسک به اصل تفسیر به نفع متهم نمی‌باشد. همچنین اصل مصلحت عمومی نیز در مقام تفسیر و فهم نظر قانون‌گذار باید مورد لحاظ قرار گیرد چنانچه این موارد در حال حاضر فاقد وصف کیفری تلقی گردد مسلماً مصلحت جامعه تأمین نمی‌گردد در حالی که مصلحت‌های فردی (در فرض حاضر متهم) باید به گونه‌ای مورد توجه قرار گیرد که بهترین نتیجه را برای جامعه داشته باشد. (معینی، ۱۳۷۸: ۳).

## ۳.۳. تبادل

مؤلفه‌های زیادی در تحلیل و احراز نظر قانون‌گذار مؤثر است. توجه به زمان و مکان تقنین و صدور حکم همیشه ملاک عمل مفسرین بوده است. با توجه به اینکه در زمان تصویب ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی اساساً بحثی از فضای مجازی به شکل کنونی نبوده است لذا نمی‌توان قائل به این نظر شد که این موارد هم در شمول ماده مزبور است آنچه از این ماده به ذهن متبادر می‌گردد توجه قانون‌گذار به محیط‌های سنتی است. به‌منظور فهم دقیق این نظر ناگزیر از کمی توضیح در خصوص تبادل هستیم تبادل مشهورترین علامت تشخیص معنای حقیقی می‌باشد (حسینی فیروزآبادی، ۱۴۰۰: ۹-۱). علاوه بر کاربرد در فهم معنای حقیقی کلام، تبادل در فهم ظهور کلام و تشخیص دامنه و حدود معنای مطابقی نیز مورداستفاده قرار گرفته است (سید مرتضی، ۱۴۱۳: ۳۴۱/۲-۳۴۲؛ حلی، ۱۴۱۴: ۲۲۰/۱۱). با این توصیف که تبادل، دامنه کلام قانون‌گذار را نیز تشریح می‌نماید امکان اعمال مقرر مزبور در فرض موضوع پژوهش وجود ندارد.

در رد این نظر باید گفت استناد به تبادل تنها در صورت نبود قرینه است (فاضل اردکانی، بی تا: ۳۲؛ مظفر، ۱۴۳۰: ۶۹/۱؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۳: ۱۷۴/۱). همان‌طور که سابق بر این گفته شد ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ تصویب گردیده است لذا قرینه مناسبت زمانی باعث می‌شود که تبادل بر عدم امکان تطبیق موضوع مزاحمت اینترنتی بر ماده مزبور شکل بگیرد باوجود چنین قرینه‌ای دیگر استناد به تبادل موجه نمی‌باشد.

## ۴.۳. عدم امکان تمسک به اطلاق

در تحلیل کلمه «اماکن» سعی بر این گردید که منظور از لفظ مزبور را مطلق مکان مجازی و واقعی بدانیم. یکی از مباحثی که شرط امکان اطلاق لفظ دانسته شده است وجود مقدمات حکمت می‌باشد (خراسانی، ۱۳۶۴: ۳۸۸/۱؛ نائینی، بی تا: ۵۳۲/۱). مقصود از مقدمات حکمت، جمع شدن شرایطی است که نشانه شمول مطلق بر افراد است از شرایطی که اصولیون وجود آن را مانع اطلاق لفظ می‌دانند انصراف و در مقام بیان بودن گوینده می‌باشد (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۹: ۱۱۵). انصراف در واقع انس ذهن به حصه معین از معنا می‌باشد مقصود از در مقام بیان بودن نیز به این معنی است که گوینده مقصود خود را با تمام جزئیات لازم بیان می‌کند و انتظار دارد مخاطب از تمامی زوایای مقصود وی آگاه شود در نتیجه، هنگامی که گوینده سخنی را به‌طور کلی بیان می‌کند مانند جایی که اصل یک بحث را مطرح می‌کند و اشاره‌ای به کیفیت و شرایط آن ندارد، می‌توان گفت که گوینده در مقام بیان نبوده است. به همین دلیل نمی‌توان از کلام وی، اطلاق را استنباط کرد قانون‌گذار وقت، در مقام حمایت کیفری از بانوان و اطفال در مقابل مزاحمان بوده است و موضوع مکان و اطلاق آن به فضای مجازی موردنظر نبوده است همچنین در آن زمان وقوع مزاحمت در فضای مجازی اساساً میسر نبوده است لذا به چه دلیل قانون‌گذار باید فضای سایبری را هم در شمول قانون قرار بدهد؟

این نظر نیز دارای اشکالاتی است، کثرت مصداق، دلیل بر انصراف نیست مگر اینکه همراه با قرینه‌ای باشد (گلپایگانی، ۱: ۷۶). در فرض پژوهش، قرینه‌ای وجود ندارد بلکه با توجه به مطالبی که در ادامه بحث خواهد آمد خلاف قرینه نیز اثبات خواهد گردید اصالت عدم قرینه نیز مؤید دیگری بر این دیدگاه است. قانون‌گذار در مقام بیان تمام اقسام مزاحمت در هر مکان عمومی بوده است و انصرافی به مکان حقیقی ندارد امام خمینی (ره) نیز اعلام می‌دارد چنانچه انصراف با قرینه دیگری باشد امکان تمسک به اطلاق نیست و در غیر این صورت می‌توان لفظ را مطلق دانست (خمینی، ۱۴۱۲: ۷۲/۲).

## نتیجه‌گیری

عدم تنظیم مقررات قانونی به‌نحوی که قابل استفاده و نیازمند پاسخ‌های روز جامعه باشد به یکی از چالش‌های قانون‌گذاری تبدیل گردیده است به‌بیان‌دیگر سیاست تقنینی جاری نتوانسته به شکلی تنظیم شود که هم‌زمان با نیازهای روز جامعه قابل بهره‌برداری باشد. از جنبه

ماهوی نیازمند تدوین مقرراتی در خصوص موضوع هستیم که بتواند با توجه به تغییرات روزافزون فضای مجازی پاسخگوی مسائل جدید باشد در خصوص آیین دادرسی نیز بحث مستقلی است که از این جهت هم باید مقررات قانونی تغییر یابد. در مرحله اجرای قانون و تفسیر آن نیز با عدم تخصص قضات رسیدگی کننده به این قبیل پروندهها مواجه می‌باشیم. علل زیادی از قبیل گمنامی کاربران و صعوبت شناسایی و دستگیری مجرمین باعث تشدید ارتکاب این قبیل جرائم شده است. لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت در حال حاضر در مجلس شورای اسلامی مراحل تصویب خود را سپری می‌نماید یکی از مواد مرتبط با بحث که در لایحه مزبور مورد اشاره قرار گرفته ماده ۳۴ می‌باشد «هرگاه مردی برخلاف تمایل زنی با ارسال پیام‌ها یا تصاویر نامتعارف به وسیله سامانه‌های مخابراتی، فضای مجازی یا هر وسیله دیگری موجب آزار روحی یا روانی وی شود به جزای نقدی درجه هفت محکوم می‌شود و در صورتی که پیام‌ها و تصاویر ارسالی مستهجن باشد، به جزای نقدی درجه شش و در صورت تکرار به جزای نقدی درجه پنج محکوم می‌شود.» به نظر می‌رسد متن مزبور از چند جهت دارای نقص است نخست اینکه ارسال پیام یا تصویر را قید نموده است در بسیاری از محیط‌های سایبری مانند متاورس و وب ۳ ارتکاب جرائم نیازی به ارسال پیام و یا تصویر ندارد دوم اینکه قید نامتعارف نیز به نظر زائد است اقداماتی از قبیل تعقیب سایبری و... ممکن است در نظر برخی قضات نامتعارف تلقی نگردد در حالی که قطعاً مصداق مزاحمت است سوم اینکه نحوه تعیین میزان مجازات نیز راهگشا نمی‌باشد قانون‌گذار باید قاضی را در همان وهله اول بین درجه پنج تا هفت مخیر سازد چهارم اینکه ارتکاب جرم تنها توسط مردان صورت نمی‌گیرد بسیاری از اوقات مزاحمت توسط بانوان صورت می‌پذیرد حتی ممکن است این اقدامات توسط یک شخص حقوقی انجام یابد پنجم اینکه تفاوت و نحوه تفکیک آزار روحی و روانی نیز معلوم نیست، چنانچه دارای یک معنا می‌باشد باید از قیود زائد در متن قانون پرهیز نمود.

#### پیشنهاد

قانون‌گذاری صحیح باید در بردارنده دو مؤلفه اساسی باشد در وهله نخست بتواند تمام موارد مجرمانه را در شمول خود قرار دهد و در وهله دوم بتواند مقابل تفسیر افراطی و بسیار موسع قانون نیز بایستد به بیان دیگر بعضی امور در محدوده حقوق شهروندی و آزادی‌های اساسی قرار می‌گیرد. قانون نباید به نحوی نگاشته شود که اختیارات وسیعی به مجریان قانون در برخورد با افراد بدهد. اشکالات وارد بر متن پیشنهادی لایحه مربوطه طرح متن دیگری را ضروری جلوه می‌دهد حذف بعضی قیود و شروط منعکس در متن ماده می‌تواند در تحلیل دادرسی از ماده قانونی کمک نماید از طرف دیگر اطلاق بیش از حد مقرر قانونی ممکن است باعث تضییع حقوق افراد و یا سوءاستفاده مجریان قانون گردد به همین منظور متن پیشنهادی نگارنده برای ماده مزبور بدین شرح می‌باشد «هرگاه شخصی برخلاف تمایل زنی با هر وسیله‌ای از قبیل سامانه‌های مخابراتی و یا فضای مجازی موجب آزار وی گردد به مجازات درجه ۵ تا ۷ محکوم می‌شود».

#### منابع

- اردبیلی، محمدعلی. (۱۴۰۱). حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ ۱۸، تهران: انتشارات میزان.
- آقایی نیا، حسین. (۱۴۰۱). حقوق کیفری اختصاصی جرائم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، چاپ ۱۲، تهران: انتشارات میزان.
- پاک‌نهاد، امیر. (۱۳۹۲). «تحلیل حقوقی - جرم شناختی مزاحمت جنسی»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۴، شماره ۲.
- جهانگیر، عیسی. (۱۳۹۱). شیعه در فضای سایبر؛ رویکردی اجتماعی، قم: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- حسن‌زاده، محمد. (۱۴۰۱). «متاورس، فرا دانشگاه و آینده آموزش عالی»، علوم و فنون مدیریت اطلاعات، دوره ۸، شماره ۲.
- حسین روحانی، سید محمد. (۱۴۱۳.ق). منتقى الاصول، جلد چهاردهم، انتشارات امیر.
- حسینی فیروزآبادی، سید مرتضی. (۱۴۰۰.ق). عنایة الاصول، جلد اول، قم: انتشارات فیروزآبادی.

- خراسانی، محمدکاظم. (۱۳۶۴.ق). *کتابه الاصول*، تهران: انتشارات المکتبه العلمیه الاسلامیه.
- خمینی، روح‌الله. (۱۴۱۲.ق). *تهذیب الاصول*، قم: انتشارات دارالفکر.
- دانشور ثانی، رضا و انوری کاظم‌آباد، اکرم. (۱۳۹۳). «تحلیل حقوقی جرم مزاحمت نسبت به بانوان در ایران»، *فقه اسلامی و مبانی حقوق*، دوره ۸، شماره ۲۹.
- زراعت، عباس. (۱۳۷۷). *شرح قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات*، تهران: انتشارات فیض.
- سیاح زاهری، محمدحسین. (۱۳۹۷). *حقیقت مجازی (درباره فضای مجازی چه بدانیم و چه بگوئیم؟)*؛ جهان مجازی-فضای حقیقی، تهران: انتشارات مرکز ملی فضای مجازی.
- سید مرتضی، علی بن حسین. (۱۴۱۳.ق). *الانتصار*، قم: انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴.ق). *تذکره الفقهاء*، جلد یازدهم، قم: انتشارات مؤسسه آل‌ال‌بیت (ع).
- علی نیا، الهه. «مزاحمت زنان و تحلیل چالش‌های قانونی آن»، دومین کنفرانس بین‌المللی حقوق، روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری، تهران.
- فاضل اردکانی، محمدحسین. (بی تا)، *غایه المسئول*، قم: انتشارات مؤسسه آل‌ال‌بیت (ع).
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۷۹). *سیری کامل در اصول فقه*، تنظیم محمد دادستان، قم: انتشارات فیضیه.
- قاسم‌زاده، مرتضی. (۱۳۷۷). «تجزیه و تحلیل عنصر روانی جرم»، فصل‌نامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۳، شماره ۱۰ و ۱۱.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۷)، *فلسفه حقوق*، چاپ ۱، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- کوشا، جعفر. (۱۳۹۰). *بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی ۳*، تهران: انتشارات مجد.
- کهوند، محمد. (۱۳۹۵). *شبکه عنکبوتی*، قم: انتشارات ذکری.
- گلپایگانی، سید محمدرضا. (۱۴۱۷.ق). *افاضه العوائد، تعلیق علی درالفوائد*، قم: انتشارات دارالقرآن الکریم.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۴۰۱). *بایسته‌های حقوق جزای عمومی*، تهران: انتشارات میزان.
- محسنی، مرتضی. (۱۳۸۲). *دوره حقوق جزای عمومی (پدیده جنایی)*، چاپ ۲، تهران: انتشارات گنج دانش.
- محمودی جانکی، فیروز. (۱۳۸۲). *مبانی، اصول و شیوه‌های جرم‌نگاری*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محمودی، محسن و صادقی، سالار. (۱۴۰۱). «متاورس و تأثیر آن بر سبک زندگی»، *مطالعات حقوقی فضای مجازی*، دوره ۱، شماره ۲.
- مظفر، محمدرضا. (۱۴۳۰.ق). *اصول الفقه*، جلد اول، قم: انتشارات اسلامی.
- معین، محمد. (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*، چاپ ۳، تهران: انتشارات زرین.
- معینی علمداری، جهانگیر. (۱۳۷۸). «رابطه مصلحت عمومی و آزادی فردی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۱۹، شماره ۴۴.
- میر محمدصادقی، حسین. (۱۴۰۱). *حقوق کیفری اختصاصی (۴)*، جرائم علیه شخصیت معنوی اشخاص، تهران: انتشارات میزان.
- (۱۳۹۲). *حقوق کیفری اختصاصی (۱)*، جرائم علیه اشخاص، تهران: انتشارات میزان.
- (۱۳۸۶). *جرائم علیه اشخاص*، چاپ ۱، تهران: انتشارات میزان.

- میل، جان استوارت. (۱۳۸۵). رساله دربارہ آزادی، ترجمہ جواد شیخ الاسلامی، چاپ ۳، تهران: انتشارات مرکز علمی و فرهنگی.
- نائینی، محمدحسین. (بی تا). اجود التقریرات، قم: انتشارات مصطفوی.
- نوربها، رضا، شیریں، عباس و نجفی ابرنآبادی، علی حسین. (۱۴۰۱). زمینہ حقوق جزای عمومی، چاپ ۶، تهران: انتشارات دادآفرین.
- ہاشمی، سید حسین. (۱۳۹۴). «قرآن و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها»، مجلہ قرآن، فقہ و حقوق اسلامی، دروہ ۱، شماره ۲.

- Dearnley James & Feather John. (2001). *the wired world*. London: Library Association Publishing.
- Warfel, Elizabeth. (2008). *Perceptions of Privacy on Facebook*. Michigan: ProQuest.
- Staeheli Lynn and Mitchell Donald. (2007). *The People's Property? Power, Politics, and the Public*. New York: Routledge.
- Kietzmann, Jan H & Hermkens, Kristopher. (2011). "Social media? Get serious! Understanding the functional building blocks of social media". *Business Horizons* (Submitted manuscript).
- Turkle, Sherry. (1995). *Life on the Screen: Idein the Age of the Internet*, London: Weidenfeld and Nicolson.
- Pearce, Martin. (1995). "From urb to bit", *Architectural Design Profile: Architects in-Cyberspace*, Academy. Vol 7, No. 118
- Davis, Mark S. (2006). *Crimes Mala in Se: An Equity - Based Definition*, *Criminal Justice Policy Review*; Vol 17, No 3.
- Kolasa, Blair J & Bernadine Meyer. (1978). *Prentice - Hall; Inc*. New Jersey: Englewood Cliffs.